

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۴۴۰۱۹۸۰۵-۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۳۲۷۲۵

www.sharghdaily.ir

شنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۱ • ۱۸ شعبان ۱۴۴۴ • ۱۱ مارس ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۱۴ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۴ • اذان مغرب ۱۸:۲۶
اذان صبح فردا ۴:۵۷ • طلوع آفتاب ۶:۲۰

# شتر

دیالوگ روز

**خوشه‌های خشم- جان فورد - ۱۹۴۰**

تام جود (هنری فاندا): توی تاریکی همه‌جا خواهم بود. مرا همه‌جا خواهی یافت. هرکجا که نگاه می‌کنی، هرکجا که مبارزهای در جریان است، هرکجا که لقمه‌ای نان برای مردم گرسنه است، آنجا خواهم بود. هر کجا آدم‌هایی از فرط رنج و خشم دیوانه شده‌اند، آنجا خواهم بود. آنجا که بچه‌ها می‌خندند یا گرسنه‌اند و می‌دانند که شامشان آماده است و هرکجا مردم در حال خوردن چیزهایی هستند که از این‌ور آن‌ور جمع می‌کنند و در خانه‌هایی زندگی می‌کنند که خود ساخته‌اند، در آنجا نیز خواهم بود.

### جهان‌خوانی

## رشد فراینده خشونت علیه زنان در اروپا



محمود فاضلی

تحلیلگر مسائل بین‌الملل

یکی از بحران‌های کنونی جوامع بشری، گسترش انکارناپذیر خشونت علیه زنان است. بدرفتاری با زنان، در همه کشورهای جهان مسئله‌ای کاملاً عمومی و دارای نتایج بسیار منفی است. این پدیده به حدی رشد یافته که این نقض آشکار حقوق انسانی در سراسر جهان مشاهده می‌شود. مسئله مهم دراین‌میان، رشد فراینده خشونت و جرائم جنسی علیه زنان در کشورهای پیشرفته غربی است. خشونت خانگی، تجاوز به‌عنف، خشونت جنسی، خشونت جسمی، خشونت در محل کار، بردگی جنسی و ارباب‌از انواع مصادیق خشونت علیه زنان به شمار می‌آید. زنان اروپایی همچنان مورد خشونت قرار گرفته و آمارها بیانگر وضعیت نگران‌کننده در کشورهای اروپایی ازجمله آلمان، فرانسه و اتریش است.

**زن‌کشی در آلمان**

در هر سه روز یک زن در کشور آلمان قربانی خشونت‌های زناشویی می‌شود. در برلین از هر چهار زن یک نفر تجربه خشونت را به شکل‌های مختلف تجربه کرده است. براساس یک نظرسنجی که از مسوی وزارت امور خانواده در آلمان انجام شده، تقریباً ۴۰ درصد از زنان آلمانی، سوءاستفاده فیزیکی را تجربه کرده‌اند. لیزا پاوس، وزیر خانواده آلمان، معتقد است: «کنوانسیون مبارزه با خشونت علیه زنان (موسوم به کنوانسیون استابول)، مانند یک سیر محافظ برای زنان و کودکان است. این‌گونه نمی‌شود که در آلمان، تقریباً در هر سه روز، یک زن به دست شریک فعلی یا سابق زندگی‌اش کشته شود. من آگاهانه از مقوله «زن‌کشی» در آلمان سخن به میان می‌آورم. متأسفانه خشونت جنسی علیه زنان به بخشی از موارد روزمره آلمان تبدیل شده است.»
اولاف شولتس، صدراعظم آلمان نیز معتقد است: «باید به لحاظ ساختاری از زنان، در برابر خشونت‌های خانگی، بهتر محافظت کنیم. این محافظت، شامل حق محافظت در برابر خشونت، تأمین مالی قابل اعتماد برای پناگاه‌های زنان و ثبت بهتر جنایات نفرت‌انگیز زن‌ستیزانه است. متأسفانه، خشونت علیه زنان، به یک جنایت روزمره گسترده تبدیل شده است، تا جایی که خطرناک‌ترین مکان برای زنان، همان خانه خودشان شده است. آنچه مهم است، این است که خشونت خانگی یک مسئله خصوصی نیست بلکه یک موضوع اجتماعی است که به همه ما مربوط می‌شود».
زنان آلمانی به نحو فراینده‌ای در معرض خشونت نزدیکان خود هستند. این خشونت‌ها که ذیل عنوان کلی خشونت خانگی دسته‌بندی می‌شود، در قالب حمله جنسی، تعقیب و اذیت، محدودکردن آزادی و قتل بروز می‌کند. هم مردان و هم زنان ممکن است در معرض خشونت باشند، با این حال از هر پنج قربانی خشونت در آلمان، چهار نفر زن هستند. بسیاری معتقدند یکی از دلایل این خشونت‌ها ناشی از نقایص موجود در قوانین آلمان و نیز آکراه پلیس از شدت عمل کافی در برخورد با شکایات زنان این کشور است. تقریباً نمی‌توان بدروستی محاسبه کرد که چه تعداد از موارد خشونت علیه زنان گزارش می‌شود و چه تعداد موضوع را این پنهان می‌کنند. گفته می‌شود بیش از ۹۰ درصد خشونت‌ها اصلاً گزارش نمی‌شود. ۲۲ درصد از زنان آلمانی دست‌کم یک بار در زندگی هدف خشونت شرکای خویش قرار گرفته‌اند که اندکی از متوسط موجود در کشورهای اروپایی بیشتر است.

**خشونت‌های جنسی علیه زنان در فرانسه**

آمارهای رسمی نشان می‌دهد در سال ۲۰۲۲، دست‌کم ۱۰۹ زن در فرانسه قربانی خشونت خانگی شده‌اند. در ماه ژانویه سال جدید دست‌کم ۹ زن قربانی خشونت شوهر یا نامزدهای خود شدند. چهار نفر از این افراد با سلاح گرم به قتل رسیده‌اند و پنج نفر از آنها نیز بین ۱۸ تا ۲۲ سال داشتند. دو نفر از این افرادی که کشته شده‌اند، پیش از قتل به پلیس اطلاع داده بودند که تحت خشونت همسرشان قرار دارند اما پلیس به شکایت آنها رسیدگی نکرده بود. وزارت کشور فرانسه چندی پیش اعلام کرده بود پرونده شکایت‌های مرتبط با خشونت‌های جنسی علیه زنان در سال ۲۰۲۱ در فرانسه ۲۴ درصد افزایش داشته است. در این سال ۷۱ هزارو ۸۳۵ مورد پرونده از این نوع ثبت شده‌اند. این پرونده‌ها شامل جرائم یا تخلفات جنسی در قالب خانواده می‌شده که از طرف نیروهای انتظامی کشور ثبت رسمی شده‌اند. اداره آمار وزارت کشور فرانسه آمارهایی درباره خشونت‌ها منتشر کرده. درحالی‌که سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ این آمار ثابت بوده ولی درمجموع از سال ۲۰۱۷ این روند افزایشی بوده است. ۷۳ درصد موارد اظهارشده به‌صورت خشونت جنسی (تجاوز، نیت تجاوز، ضرب‌وشتم یا تعرض جنسی) بوده‌اند. ۸۶ درصد موارد اعلام‌شده از سوی زنان ۵۵ درصد آنها از نسوی افراد صغیر بوده است. سهم شهر پاریس در این نوع خشونت‌ها در سال ۲۰۲۱ میلادی ۴۰٫۷ درصد (در درون خانواده) این رقم در سال ۲۰۱۷ برابر با ۳۱٫۸ درصد بوده است. شهرهای بزرگ در فرانسه، بیشترین قربانیان زن این نوع آزارها را دارد و پاریس دارای وضعیت ویژه‌ای است. شهر پاریس در قربانیان رده سنی ۱۵ تا ۶۴ سال، رقمی برابر با ۱٫۸ برای هر هزار نفر را ثبت کرده است. در سال ۲۰۲۱ و در ارتباط با خشونت‌های جنسی ۴۸ هزارو ۲۹۴ نفر به دادگاه معرفی شده‌اند که از این رقم ۹۶ درصد مردان بوده‌اند و ۷۳ درصد آنها، افراد بالغ (بالای ۱۸ سال) بوده‌اند.

**خانه امن برای زنان در اتریش**

در اتریش به‌تازگی پنجمین محل موسوم به «خانه زنان» در وین افتتاح شده است. این مرکز کنجایش اسکان ۵۳ زن و کودک قربانی خشونت را دارد. در وین شبکه مترامکی از اماکن و نیز اقدامات برای محافظت از زنان قربانی خشونت وجود دارد. یکی از اقداماتی که در مراکز خانه زنان انجام می‌شود، علاوه بر اسکان، آموزش و آماده‌سازی زنان برای کسب درآمد است تا از این طریق به استقلال مالی اقتصادی برای زندگی بپردازند. هم‌اکنون در پنج مرکز زنان وین کنجایش ۲۲۸ زن و کودک وجود دارد. علاوه‌براین ۵۴ آپارتمان برای اسکان موقت ایشان برای بعد از خروج آنها از مراکز خانه زنان وجود دارد. اگر زنان همچنان به در معرض خشونت بوده و نیاز به محافظت داشته باشند، می‌توانند در آن آپارتمان‌ها اسکان یابند. این زنان در سراسر دوره از خدمات حقوقی رایگان بهره‌مند می‌شوند. در سال ۲۰۲۱ در مجموع ۶۹۹ زن و ۶۴۰ کودک همراه آنها در این مراکز اسکان داشته‌اند که این افراد در مجموع ۶۶ هزارو ۹۷۳ روز در این مراکز اقامت داشتند.

## مسمومیت و هراس اجتماعی



بابک زمانی

نوروئولژیست

مسمومیت گسترده دختران در هفته‌های اخیر، نحوه انعکاس و برخورد با آن نیازمند واکاوی دقیق و علمی است.

هسته رخدادهای اخیر هم از نظر علت آن و هم از نظر شیوه برخورد با آن مسئله‌ای مربوط به سلامت و طبیعتاً در ارتباط با سازمان‌ها و نهادهای پزشکی است. مسمومیت فی‌ذاته یک تخصص پزشکی است، نحوه گسترش آن یک تخصص دیگر به نام اپیدمیولوژی است و تأثیرات آن بر سیستم اعصاب و ریه مربوط به تخصص‌های مغز و اعصاب و ریه است. حتی اگر همه رخداد نوعی هیستری اجتماعی نباشد، هم انعکاس گسترده آن بدون محابا و بدون اشراف اطمینان‌بخش دولت، به هیستری گسترده اجتماعی خواهد انجامید که فی‌ذاته به تخصص روان‌پزشکی و روان‌شناسی مربوط می‌شود. آیا هیستری اجتماعی با این گستردگی نشانه بدتری است از سیستمی که در آن زندگی می‌کنیم یا حضور نیرویی منسجم که می‌تواند در صدها مدرسه دختران را هجرمان مسموم کند و دم به تله ندهد؟ البته پاسخ آسانی ندارد اما موضوع این یادداشت هم نیست. تنها باید اضافه کرد اینکه کدام نشانه بدتری است، نیست، قطعاً حقیقت از همه نظر مفیدتر است. تعبیر اول

### گذشته خوانی

## زامبی‌ها برمی‌گردند

**یورئوئوز** در سال‌های اخیر گرم‌شدن زمین در قطب شمال باعث آب‌شدن لایه‌ای از «خاک همیشه‌یخ‌زده» در این ناحیه شده و ویروس‌های خفته که برای ده‌ها هزار سال غیرفعال بودند، اکنون به تهدید بالقوه‌ای برای سلامت جانوران و انسان تبدیل شده‌اند. ۱۴ آذر میلاد العربیه خبری منتشر کرد که از احیای یک «ویروس زامبی» باستانی حدود ۵۰ هزار ساله که در آخرین عصر یخبندان در یخ مدفون شده بود، توسط دانشمندان خبر می‌داد. ویروس تازه‌کشف‌شده از زمان عصر یخبندان زیر دریاچه‌ای در منطقه سیبری روسیه گیر افتاده بود و دانشمندان با آب‌شدن یخ باستانی موفق شدند آن را پیدا کنند. به گفته دانشمندان، با وجود اینکه این ویروس هزاران سال پیش یخ زده است اما کماکان مُسری است و می‌تواند روی برخی ارگانسم‌های زنده تأثیر بگذارد. به‌تازگی نیز محققان اظهار کردند که خطر بیولوژیکی این ویروس خاص درحال حاضر برای انسان‌ها ناچیز است؛ چراکه آنها فقط سوبه‌هایی را هدف قرار داده‌اند که می‌توانند میکروب‌های آمیب را آلوده کنند. کیمبرلی ماینر، دانشمند آب و هوا در آزمایشگاه پیش‌رانش جت ناسا، می‌گوید: «خوبی چیزها درباره خاک منجمد وجود دارد که نگران‌کننده است و ما تا حد ممکن باید این سطح یخ‌زده را به همان حالت نگه داریم».
خان منجمد حدود یک پنجم نیکمره شمالی را پوشش می‌دهد و به عنوان نوعی کپسول برای حفظ آلودگی‌های باستانی، بقایای تعدادی از حیوانات منقرض‌شده، نظیر دو توله شیر غار و یک کرگدن پشمالوی تازه‌کشف‌شده، حفظ شده است. این خاک یخ‌بسته، محیطی ایزوله و بدون اکسیژن را ساخته است که نور به آن نفوذ نمی‌کند. این لایه منجمد که عمقش گاه تا هزارو ۵۰۰ متر می‌رسد، مهم‌ترین انبارِ منان در کره زمین نیز به حساب می‌آید و برای ده‌ها هزار سال است که به همان صورت حفظ شده است. ژان میشل کلاروی، استاد افتخاری ژئومیک در دانشکده پزشکی دانشگاه ماری در فرانسه‌که نمونه‌های خاک گرفته‌شده از لایه منجمد سیبری را آزمایش کرده است، می‌گوید شماری از «ویروس‌های زامبی» در این ناحیه پیدا شده‌اند. این محقق به همراه تیم همراش روی نوع خاصی از ویروس که برای اولین بار در سال ۲۰۰۳ کشف شد کار می‌کنند. آنها برای شناسایی ویروس‌های منجمد از روشی استفاده می‌کنند که برای نخستین بار در سال ۲۰۱۲ توسط تیمی از دانشمندان روسی مورد استفاده واقع شد و این پژوهشگران موفق شدند یک گل وحشی را از دانه‌ای که متعلق به ۳۰ هزار سال پیش بود بریانند. «یخ زامبی» سطح آب دریاها‌ی زمین را دو برابر بیش‌تری‌های گذشته بالا می‌برد. دکتر کلاروی می‌گوید: «این ویروس‌های آلوده‌کننده آمیب را نماینده‌ای از ویروس‌های احتمالی دیگری می‌بینیم که ممکن است در خاک منجمد موجود باشند. ما ردپای بسیاری از ویروس‌های دیگر را می‌بینیم و می‌دانیم که آنها آنجا هستند، هرچند اطمینان نداریم که زنده باشند. باین‌حال استدلال ما این است که اگر ویروس‌های عفونی‌کننده آمیب‌ها هنوز زنده هستند، دلیلی وجود ندارد که سایر ویروس‌ها هنوز زنده نباشند و نتوانند میزبان خود را آلوده کنند». ویروس‌های ناشناخته در خاک منجمد می‌توانند همه‌گیری‌های مرگ‌باری را رقم بزنند. در سال ۲۰۱۲ دانشمندان تأیید کردند که بقایای ۳۰۰ ساله زنی مدفون در خاک یخ‌زده سیبری حاوی علائم ژنتیکی ویروسی است که باعث آبله می‌شود. گفته می‌شود شیوع سب‌خ‌رام سال ۲۰۱۶ در سیبری که ده‌ها انسان و بیش از دو هزار گوزن شمالی را آلوده کرد، به ذوب‌شدن یخ‌های دائمی در طول تابستان‌های فوق‌العاده گرم مرتبط بوده است. همچنین دکتر ماینر دراین‌باره می‌گوید: «برای ما واقعاً مهم است که چگونه میکروب‌ها و ویروس‌های آلوده‌شده با محیط مدرن تعامل خواهند کرد و این واقعا آزمایشی نیست که بخواهیم از آن استقبال کنیم.»



● خانه‌تکانی و آماده‌شدن برای سال جدید، رسمی است که بین ایرانیان جایگاهی ویژه دارد. در برخی مناطق کشور قالی‌شویی که از رسومات دیرینه نوروز است که به‌صورت سنتی در منازل انجام می‌شود عکس: حناخلع/ایرنا

### زنان

## قدرت خواهی متفاوت زنان در فیلم‌ها



مهدی حیوانی

تحولات فرهنگی اخیر در میان زنان جامعه ایران، بی‌ریشه و ناگهانی رخ نداده است. چنین دگرگونی‌هایی را می‌توان در زمینه‌های کوناگون یافت و بررسی کرد. یکی از آنها عرصه هنرهای نمایشی ازجمله سینما و سریال‌های تلویزیونی است. گرایش جدیدی که در سینما و تلویزیون امروز مشاهده می‌شود، خبر از زنان و دخترانی می‌دهد که کنش‌هایی متفاوت با زنان دوره‌های قبل دارند. شاید بتوان با نگاهی کلی، زنان دوره‌های مختلف را در سه گروه رده‌بندی کرد: زن منفعل، زن مردگونه و زن مستقل. زن منفعل، قدرت‌خواه است اما کنشگر نیست و مشارکت او در نجات خویش از ورطه بلا، مشارکتی اندک است. در فیلم بیشتر بر وجه زیبایی و جذابیت او تأکید می‌شود. چنین زنی قدرت را یا برای خلاصی خود از گرفتاری می‌خواهد یا کسب قدرت برای افزایش میزان نفوذ خود. در این مسیر، او مردی را برای رسیدن به اهدافش وسوسه و ترغیب می‌کند و جلو می‌اندازد. نمونه زنی چنین وسوسه‌گر را می‌توان در نمایش‌نامه «مکتب» از ویلیام شکسپیر دید که برداشت ایرانی‌اش سریال تلویزیونی «زخم کاری» بود. این‌گونه زنان در نهایت اسیر مناسبات اجتماعی مردانه‌اند و دخترانی مستقل‌اند که در فیلم‌ها محوریت زنان نقش مرادنتیک و چهره قربانی سیرده می‌شود. مثال کدوکانه‌اش «دخترک کبریت‌فروش» از هانس کریستین آندرسن است. دسته دوم زن مردگونه است که برای کسب قدرت، خود را شبیه مردان می‌کند و کنش‌های مردانه دارد. مثلاً ژاندارک قدیسه‌ای در کلیسای کاتولیک است که به قهرمان ملی فرانسه بدل می‌شود. او در جنگ صدساله، یکی از رهبران ارتش فرانسه در مقابل انگلستان است که بعدها به اسارت درمی‌آید و به انگلیسی‌ها فروخته می‌شود. سرانجام او را به جرم جادوگری و الحاد و نیز استفاده از پوشش مردانه به کفر محکوم می‌کنند و در آتش می‌سوزانند. اگرچه ژاندارک شخصیتی واقعی است اما در عالم هنر و سینما هم جایگاه خاصی یافته است. شاید با کمی اغماض بتوان او را نمونه‌ای از زنان مردگونه تلقی کرد. اما گروه سوم، زنان و دخترانی مستقل‌اند که در فیلم‌ها محوریت بیشتری یافته‌اند و به شکلی متفاوت کنشگر هستند. فیلم‌ها و سریال‌هایی خارجی مانند «ونزدی»، «کراون»، «کوئینز» «گامبیت»، «ندیمه»، «کروئلا»، «میر از ایست‌تاون»، «خمدنکار»، «خانواده دارل» و «بنشلی‌های ایشرسن»، نمونه‌هایی‌اند که نگارنده شخصا دیده و به‌طور جدی دنبال کرده‌ام. این آثار با شدت و ضعف‌هایی پرده از چهره زاننی برمی‌دارند که کنش‌هایی متفاوت دارند. می‌توان روی سریال «ونزدی» ساخته تیم برتون تأکید بیشتری کرد. ونزدی در میان نسل جوان ایران مورد استقبال واقع شده است. او دختری امروزی است که اولاً به دنبال کسب قدرت است و در تاتی بدون اینکه بخواهد به شکلی ژاندارک‌گونه خود را به مردان و پسران شبیه کند، خصوصیات زنانه و دخترانه خود را حفظ می‌کند؛ یعنی لاک ناخن می‌زند، دخترانه آرایش می‌کند و دخترانه هنرمندی می‌کند. ونزدی این کارها را به شیوه و انتخاب خاص خود انجام می‌دهد؛ یعنی لاک ناخنش مشکی و آرایشش مشکی است و حرکات هنرمندانه خاص و متفاوت خود را دارد. درعین‌حال در مقابل مظالم مردها کم نمی‌آورد و سخت انتقام می‌گیرد. شاید تنها خصوصیتی که موجب شده این سریال با همه شباهت‌هایش در زمینه‌های مشابه و همچنین به‌رغم ضعف‌هایش در بخش‌های پایانی مورد توجه قرار گیرد، همین چهره متفاوتی است که‌که از یک دختر به نمایش می‌گذارد. ونزدی با نگاه فوکویی علیه نهاد کنترل‌گر و مهره‌ساز مدرسه می‌شورد. نمونه چنین موقعیتی در بعضی سریال‌های فارسی هم مشهود است. گذشته از سریال متفاوت «شبکه مخفی زنان» که او هم چنین موقعیتی را به نمایش می‌گذارد. احتمالاً این زنان در واقعیت تاریخی خود، کنش‌هایی تا این اندازه متفاوت و جسورانه نداشته‌اند اما در خیال نویسنده و کارگردان، با تبعیت از فلسفه زمانه، تصویری چنین امروزی از آنان ارائه شده است. نتیجه اینکه به نظر می‌رسد حتی به گواه آثار نمایشی و ظاهراً تخیلی، نقش زنان و دختران در جوامع بشری پرتنگ‌تر و متفاوت‌تر شده است. آیا از زانویه ما وارد دوران جدیدی شده‌ایم؟

هویت مستقل و اقتدار لازم را به‌تدریج و به‌طورکامل از دست داده‌اند. در امور کاری خود و ترتیبات سلامت هم کمترین صلاحیت ایشان به رسمیت شناخته نمی‌شود تا چه برسد به مصالح کلی‌تر سلامت در جامعه! طبیعتاً همه اینها اخلاقیات خاص عرصه‌های خاص هم تعریف نمی‌شود.

پزشکی تنها شغلی است که اتحادیه صنفی ندارد. خلبانانی هستند که حق پرواز نکردن با هواپیمای معیوب، محملی‌ها که تنها آنان معایب واقعی آن را می‌شناسند، از ایشان سلب شده است. غافل از اینکه آنها تنها قشری هستند که مسئولیت اجتماعی بخشی از سوکند حرفه‌ای ایشان است. برای رعایت حال بیماران! اختیار صنفی آنها به سازمانی نیمه‌دولتی سپرده شده است. حال آنکه استقلال کامل ایشان ضامن بهتری برای سیستم سلامت و پروازنکردن با هواپیمای معیوب بود. حال این گروه مصلوب‌الاختیار حق دارند حداقل اگر نه حقوق صنفی خود بلکه پیگیر مسئولیت‌های اجتماعی‌شان باشند؛ اگرچه این دو از هم تفکیک‌ناپذیرند. باید پرسند سازمان نظام پزشکی درحالی‌که عمق ریه و جان جانان مان، این فرشته‌های محصور، می‌سوزد کیچای کار ایستاده است، چه می‌داند و چه کرده است؟

اگر عبور شبانه از جنگلی دور بدون راهنما و چراغ، هراس‌انگیز است، زندگی در جامعه‌ای مدرن با مختصات پیچیده و دشوار بدون حضور دولت مدرن با خصوصیات پیش‌گفته، متکی بر نهادهای خودسامان، پزشکی و غیرپزشکی، خود مصداق هراس اجتماعی است.

### شبکه خوانی

## رائفی‌پور، طالبان و ایلان ماسک

در فیلمی چنددقیقه‌ای از علی‌اکبر رائفی‌پور که در شبکه‌های اجتماعی پربازدید شده است، سخنانی درباره ایلان ماسک، توییت‌ر و خودش بیان کرده است که هم خلاف واقع است و هم این سؤال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان در چند جمله، چند اطالع غلط را بیان کرد. این نظریه‌پرداز اصولگرایان در این فیلم گفته است: «اماد ترامپ به‌شدت نزدیک به اسرائیل است. ایلان ماسک هم با اینها می‌چرخد. آمد توییت‌ر را برایشون خرید تا بتوانند شبکه رسانه‌ای داشته باشند. به‌سرت مخالفان را حذف می‌کنند. بارها من را از توییت‌ بیرون انداختند، مگه من چی گفتم؟ مگه شما نمی‌گویید آزادی بیان! دارند حذف می‌کنند تا یک‌طرفه بتوانند حرف بزنند.»

برخی با این سخنان نتیجه گرفتند که این نظریه‌پرداز اصولگرا بر این باور است که «ایلان ماسک توییت‌ر را خریده که او را بندها بیرون!».

اما اطلاعات غلط در این چند جمله را می‌توان بررسی کرد.

«ایلان ماسک پس از دعوهای حقوقی چندماهه، قابت توانست شرکت توییت‌ر را به قیمت ۴۴ میلیارد دلار خریداری کند. او ششم آبان ۱۴۰۱ با در دست داشتن سینک دستشویی وارد ساختمان توییت‌ر شد و از آن روز به بعد سیاست‌های او باعث شد تا امنیت و اعتبار این شبکه اجتماعی دچار مشکل شود. همچنین خودش تا همین چند روز پیش عنوان ثروتمندترین فرد جهان را از دست داده بود.

«در ۲۸ آبان، پس از یک نظرسنجی چندمیلیونی، ایلان ماسک حساب کاربری دونالد ترامپ را که بعد از حمله به کنگره بسته شده بود، باز کرد. اما از آن تاریخ تاکنون دونالد ترامپ هیچ توییتی منتشر نکرده است. ترامپ بارها گفته بود به این رسانه باز نمی‌گردد و در شبکه اجتماعی که خودش راه‌اندازی کرده به فعالیت ادامه می‌دهد.

«رائفی‌پور با طالبان؟ یکی از مسائلی که در توییت‌ر زیر سلطه ایلان ماسک مطرح است، حضور افراد با هرونه سابقه است. در چند ماهی که مالکیت توییت‌ر تغییر یافته است، چندین کمپین و هشتک برای بیرون‌کردن طالبان در توییت‌ر راه افتاده است اما ایلان ماسک به این موضوع توجهی نمی‌کند. حتی در آخرین واکنش که شش روز پیش بوده است، این مسئله را تأیید کرده که طالبان در توافق‌وقت‌گذرانی می‌کنند. یکی از مسائلی که مطرح است حتی فروختن تیک آبی به شماری از طالبان در توییت‌ر است و آنها با مبلغ حدود هشت دلار مدارانه جزء دلار دارای تیک آبی هستند. ایلان ماسک با ری توییت بخشی از مقاله تلگراف به طالبان توجه کرده است. در این مقاله نوشته شده است که طالبان با نشر ویدئوهای زنده در رسانه‌های مجازی روزگذرانی می‌کنند. تلگراف افزوده است که طالبان که روس‌های‌شان را رها کرده و وارد کابل شده‌اند، از ترافیک خسته شده، از جرائم خیابانی هراس دارند و در توییت‌ر روزگار می‌گذرانند. در واکنش به این توجه «محمد جلال»، از اعضای طالبان نوشته که افغانستان دارای ذخایر لیتومی است که ارزش آن یک تریلیون دلار یا بیشتر تخمین زده می‌شود و از ماسک خواسته است تا او در این صنعت سرمایه‌گذاری کند. از نظر کاربران این دعوت به‌مثابه سرمایه‌گذاری در عرصه ساخت بمب و تسلیحات است. در عین حال به نظر می‌رسد این ماسک، ترامپ یا… نیست که «رائفی‌پور» را از توییت‌ر طرد می‌کند بلکه این کاربران هستند که در برابر گفتارهای او واکنش نشان می‌دهند. شاید او نیز بتواند مانند اکانت رسمی بعضی از رؤسای بانک‌ها، پرداخت پول تیک آبی خریداری کند و در این شبکه اجتماعی سخنان خود را بازگو کند؛ سخنانی که احتمالاً مانند این فیلم کوتاه شده، بر از اطلاعات غلط است.